

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی

اصغر شهبازی^۱

(دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳۰)

چکیده

بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی، گونه‌ای از ادب منظوم عامه‌اند که عمدتاً سرایندگانی ناشناس، پس از کشته شدن یکی از قهرمانان یا بزرگان بویراحمدی در مبارزه با مخالفان، آن‌ها را سروده‌اند و بعدها به‌وسیله مردم و خوانندگان اشعار لری خوانده و تکرار شده‌اند. این اشعار را می‌توان جزو اشعار حماسی عامه قرار داد. از آنجا که این اشعار در میان مردم بویراحمد دارای جایگاه رفیع و بازتاب‌دهنده بخشی از حوادث تاریخی - اجتماعی بویراحمد هستند، در این مقاله، این اشعار با هدف ریخت‌شناسی و بررسی ابعاد ادبی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی، با روش تحلیل محتوا (رویکرد توصیفی - تحلیلی) بررسی شده‌اند و به‌طور خلاصه مشخص شده که سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی طرحی ساده، روایی و بدون مقدمه‌چینی، اوج و فرود دارند. توصیف شخصیت‌ها و صحنه‌های نبرد در آن‌ها قوی است. راوی دانای کل است و روایت از نوع واقعی و مستند. از نظر زبانی و ادبی نیز بیت‌های بویراحمدی، زبانی ساده و روان دارند و در آن‌ها از صنایع ادبی پیچیده و انتزاعی خبری نیست. از منظر موسیقایی، وزن در آن‌ها هجایی است و کمبود وزن را با کش‌دارکردن کلمات حفظ می‌کنند. از نگاه محتوایی نیز مضمون و محتوای اصلی این اشعار، دلیری‌ها و شجاعت‌های قهرمانان و بزرگان بویراحمدی در مبارزه با مخالفان خود است. از نظر اجتماعی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول).

* asgharshahbazi88@gmail.com

هم این اشعار، امروزه یکی از عوامل وحدت و هم‌گرایی طوایف بویراحمدی به‌شمار می‌آیند. این مقاله می‌تواند نمونه‌ای برای بررسی این نوع شعر عامه در سایر مناطق کشور قلمداد شود.

واژه‌های کلیدی: شعر عامه، بیت (سوگ‌چکامه)، بویراحمد، شکل، محتوا.

۱. مقدمه

بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی، گونه‌ای از اشعار عامه‌اند که بیشتر سراینده مشخصی ندارند. به زبان و گویش‌های محلی سروده شده‌اند و انگیزه سرایش آن‌ها، دلیری‌ها و شجاعت‌های یک یا چند تن از دلیرمردان و بزرگان اقوام ایرانی است که در راه وطن، آزادی و آرمان‌های قومی و مذهبی جنگیده و در نهایت، کشته شده‌اند. این نوع اشعار، در تقسیم‌بندی انواع ادبی عامه، ذیل اشعار حماسی عامه قرار می‌گیرند؛ اما از آن رو که در این اشعار، جنبه‌های غنایی، یعنی مویه‌ها و ناله‌های سراینده‌گان در سوگ هم‌تباران قوی است، برخی آن‌ها را ذیل اشعار سوگ قرار می‌دهند که در این باره بهتر است آن‌ها را سوگ‌چکامه‌های حماسی بنامیم تا با این عنوان هم بار غنایی و هم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم.

این اشعار در میان طوایف گوناگون قوم لر دیده می‌شوند. بختیاری‌ها به این اشعار در اصطلاح «شوخین» (šowxin) می‌گویند. «شوخین» صورت گویشی «شبیخون» است؛ چون بختیاری‌ها به «شب»، «شو» (šow) و به «خون»، «خین» (xin) می‌گویند و این نوع شعر در میان ایشان دارای قدمت و جایگاه خوبی است و حدوداً ۲۱ قطعه شعر سوگ‌چکامه‌ای دارند (شهبازی، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

این نوع شعر در میان بویراحمدی‌ها نیز - که طوایفی از قوم لر هستند و مشترکات نژادی، قومی، فرهنگی و تاریخی زیادی با بختیاری‌ها دارند - وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱۵ قطعه شعر سوگ‌چکامه‌ای در منطقه بویراحمد وجود دارد که قدیم‌ترین نمونه آن مربوط به دوره قاجار و جدیدترین نمونه مربوط به دوره پهلوی است.

از آنجا که این اشعار بیشتر در سطح وسیع و فراتر از یک استان بررسی نشده و در همان استان‌ها نیز معمولاً جمع‌آوری شده‌اند و تحلیل دقیقی درباره آن‌ها صورت نگرفته و به تبع آن، در منابع نوشته‌شده درباره زبان و ادب عامه ایران نیز آن‌گونه که باید و شاید به آن توجه نشده است، نگارنده بر آن شد تا در این مقاله برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در ادامه آورده می‌شود، این اشعار را در میان طوایف بویراحمدی بررسی کند:

الف) معروف‌ترین سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی کدامند؟

ب) سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر شکل و ساختار چگونه‌اند؟

ج) سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر محتوایی، ادبی، موسیقایی و اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. پیشینه تحقیق

درباره سوگ چکامه‌های بویراحمدی، نخستین پژوهش از منوچهر لعمه (۱۳۵۳: ۵۹، ۶۴ - ۶۵) است که به‌منزله سپاهی بهداشت در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵ در مناطقی از بویراحمد خدمت می‌کرده و در مجموعه اشعار گردآوری‌شده به وسیله وی، سه بیت از اشعار سوگ چکامه‌ای دیده می‌شود. پس از وی، فردی که با تلاش بسیار، بخش عمده‌ای از سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی را ضبط و در قالب کاست‌هایی منتشر کرد، شیخ علی‌مراد (از طایفه شیخان گل‌بار) بود. تلاش شیخ علی‌مراد در این زمینه به‌گونه‌ای بود که می‌توان گفت تمام کسانی که بعد از وی به جمع‌آوری این گونه اشعار در منطقه بویراحمد همت گماشته‌اند، منبع اصلی ایشان، آثار وی بوده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۷ - ۸).

پس از انقلاب اولین جایی که می‌توان نشانی از بیت‌های (سوگ چکامه‌ها) بویراحمدی یافت، مجله «نامه نور» است که در ویژه‌نامه آن (۱۳۵۹) ابیاتی از سوگ چکامه «کی لهراسب» دیده می‌شود (مکی، ۱۳۵۹: ۱۴۶).

پس از آن، پژوهشگری که به‌طور جدی به جمع‌آوری این گونه اشعار در منطقه بویراحمد روی آورده یعقوب غفاری است که تقریباً بخش عمده‌ای از بیت‌های حماسی بویراحمدی را چاپ و منتشر کرده است (غفاری، ۱۳۶۲: ۱۰ - ۲۷).

پس از غفاری، افراد دیگری نیز بوده‌اند که هر کدام بخش یا قسمت عمده‌ای از سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی را منتشر کرده‌اند. شاخص‌ترین این افراد عبارت‌اند از: قدرت‌الله اکبری در کتاب *بویراحمد در گذرگاه تاریخ* (۱۳۶۸: ۹، ۱۸، ۲۶، ۶۴، ۷۵، ۹۵)؛ عزیز کیاوند در کتاب *حکومت، سیاست و عشایر* (۱۳۶۸: ۶۵ - ۸۳)؛ جواد صفی‌نژاد در کتاب *عشایر مرکزی ایران* (۱۳۶۸: ۶۰۸ - ۶۱۰)؛ نورمحمد مجیدی در کتاب *علماء و شاعران استان کهگیلویه و بویراحمد* (۱۳۷۸: ۶۲۵ - ۷۲۸)؛ کاووس تابان‌سیرت در کتاب *دلاوران کوهستان* (۱۳۸۰: ۲۳۰ - ۲۳۱، ۳۴۵ - ۳۴۶، ۳۷۸ - ۳۷۹)؛ سید ساعد حسینی در کتاب *شعر، موسیقی و ادبیات شفاهی* (۱۳۸۱: ۱۱۹ - ۱۴۴)؛ حامد اکبری در کتاب *رجال بویراحمد* (۱۳۸۱: صفحات متعدد)؛ الله‌بخش آذریبوند در کتاب *تحولات سیاسی و بویراحمد و جنگ گجستان* (۱۳۸۴: ۲۸۸ - ۲۸۹، ۲۹۳ - ۳۰۸، ۴۰۱ - ۴۰۲، ۴۶۷ - ۴۶۸) و سیمین طاهری در کتاب *فرهنگ عامیانه مردم کهگیلویه و بویراحمد* (۱۳۸۴: صفحات متعدد)؛ اما کسی که در جمع‌آوری و استفاده تاریخی از این اشعار تلاش زیادی کرده، سیاهپور است که در پایان‌نامه خود با عنوان *حوادث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار محلی*، بیشتر این اشعار را با ملاحظات تاریخی و سیاسی بررسی کرده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: صفحات مختلف).

با همه این تلاش‌ها، می‌توان گفت این اشعار در سطح ملی آن‌گونه که شایسته است، بررسی نشده‌اند و حسن ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸: ۱۴۳ - ۱۷۰) از جمله معدود پژوهشگرانی هستند که در مقاله «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران» به بخشی از این اشعار در قالب «ترانه‌های سوگ درباره قهرمانان ملی و منطقه‌ای» (از مناطق جنوب، فارس و شمال) اشاره کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت این اشعار در منطقه بویراحمد، با توجه به شاخص‌های نقد آثار ادبی عامه بررسی نشده‌اند و به‌دنبال آن ابعاد ادبی، محتوایی، موسیقایی و اجتماعی آن‌ها روشن نشده است.

۳. روش تحقیق

روش جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله، از نوع کتابخانه‌ای و روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به این ترتیب که پس از گردآوری داده‌ها (بیت‌های بویراحمدی)، داده‌ها بر اساس سیر تاریخی مرتب و آن‌گاه از نظر شکل، ساختار، محتوا، موسیقی و... بررسی شده‌اند. داده‌ها عمدتاً از منابع چاپ‌شده نقل شده‌اند و در همه‌جا به مأخذ آن‌ها اشاره شده و در بخش‌هایی از مقاله، برای تشخیص صورت درست واژگان، از گویشوران بویراحمدی کمک گرفته شده است.

۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

همان‌طور که در مقدمه این مقاله گفته شد، این اشعار در میان مردم بویراحمد جایگاه ویژه‌ای دارند و از همین روی، بسیاری از علاقه‌مندان و پژوهشگران آن‌ها را در قالب کاست، کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند؛ اما واقع امر این است که این‌گونه اشعار تاکنون با ملاک‌های بررسی آثار ادب عامه نقد نشده‌اند و به تبع آن، ارزش‌ها و ویژگی‌های ادبی و محتوایی آن‌ها کاویده نشده است و این مقاله در راستای این ضرورت و هدف نوشته و این ضرورت درباره این نوع شعر در سایر مناطق مختلف کشور نیز حس می‌شود.

۴. بحث اصلی

۴ - ۱. بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی

بویراحمد کنونی، یکی از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است. ساکنان این شهرستان از طوایف قوم لر هستند و به زبان لری سخن می‌گویند. مستوفی (۱۳۶۳: ۵۴۱) هفتصد سال پیش در تاریخ‌گزیده، ذیل طوایف لر بزرگ از «بختیاری» و «جاکی» نام برده است. بیشتر مورخان و محققان معتقدند که تمام ایلات ساکن در کهگیلویه و بویراحمد (بویراحمد، چرام، دشمن‌زیادی، نویی و لیراوی) از جاکی منشعب شده‌اند (فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۷۹؛ امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۱۳۱).

از میان طوایف گوناگون قوم لر ساکن در استان کهگیلویه و بویراحمد، بویراحمدی‌ها دارای جمعیت و قدمت بیشتری هستند و دست‌کم از آغاز حکومت قاجار، سابقه حضور در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران را دارند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۴ - ۱۷) و بر

همین اساس دارای زبان و ادب عامه قوی‌ای هم هستند. در میان این مردم، گونه‌ای از اشعار عامه وجود دارد که در توصیف دلیری‌ها و رشادت‌های دلاورمردان و بزرگان بویراحمدی‌اند. سراینندگان این اشعار مثل بیشتر اشعار عامه بیشتر نامعلوم‌اند؛ اما دلیل سروده شدن آن‌ها جنگ‌هایی است که قهرمانان و بزرگان بویراحمدی با دستگاه‌های حاکم و مخالفان خود کرده و در آن جنگ‌ها کشته شده‌اند. بنابراین، مضمون اصلی این اشعار، بیان دلیری‌ها و رشادت‌های پهلوانان و کلانتران بویراحمدی است. البته، چنانکه گفته شد، در ضمن این اشعار از مرگ دل‌خراش این بزرگان نیز یاد می‌کنند.

بویراحمدی‌ها بیشتر به این اشعار «بیت» می‌گویند و برای اشعار عزا به صورت عام، واژه «شربه» (šarbe) را به کار می‌برند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۲۵). بنا بر پرسش‌های میدانی نگارنده، در منطقه بویراحمده، «شربه» به اشعاری گفته می‌شود که عمدتاً زنان در سوگ عزیزان از دست‌رفته می‌خوانند و بر همین اساس، «شربه» یک نام عام است برای تمام اشعار عزا و نمی‌توان آن را برای سوگ چگامه‌ها یا بیت‌های حماسی به کار برد که صرفاً برای دلاور مردان و کلانتران بویراحمدی سروده شده‌اند. البته، چون این گونه اشعار، قالبی هستند، این امکان وجود دارد که از آن‌ها در هنگام «شربه‌خوانی» نیز استفاده کنند (سیاهپور، مصاحبه، ۲۴/۴/۱۳۹۸).

درباره چگونگی به وجود آمدن این اشعار و قدیم‌ترین نمونه آن‌ها در منطقه بویراحمده، اختلاف نظر وجود دارد. سیاهپور با بررسی‌های دقیق نشان داده است که قدیم‌ترین نمونه این نوع شعر، مربوط است به سال‌های برافتادن زندیان و برآمدن قاجارها؛ یعنی وقتی که محمدطاهرخان با ایل نویی جنگ کرد و در آن جنگ، اسب معروف محمدشفیع‌خان به دست محمدطاهرخان افتاد. از آن جنگ و سوگ‌چکامه سروده شده درباره آن، یک بیت باقی مانده است:

او خیانہ بنگریت وا خوس و کارش اسب سد محشفی خان کوری سوارش
?u xoyâne bengarit vâ xos- o- kâreš/ ?asb- e- sedmahšafixân, kuri sovâreš.
برگردان: خدا را بنگرید با کارهایش که کوری (محمدطاهرخان که در سال ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ هجری به دست صادق‌خان قاجار کور شد)، اسب سید محمدشفیع‌خان را تصاحب کرده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۹).

پس از این بیت، دنباله این نوع از اشعار را باید در عصر پهلوی دنبال کرد. در دوران حکومت پهلوی اول و دوم، بویراحمدی‌ها بارها با دستگاه حکومت درگیر شدند. در دوران رضاشاه، بویراحمدی دست‌کم پنج‌بار با نظامیان ارتش پهلوی به مبارزه برخاستند که معروف‌ترین مبارزه ایشان، نبرد «تامرادی» بود. در دوران محمدرضاشاه نیز، بویراحمدی‌ها چند بار به مقابله با حکومت برخاستند که بزرگ‌ترین مقابله ایشان، جنگ معروف «گجستان» بود. بعد از این نبردها و جنگ‌ها بود که سرایندگانی ناشناس، اما علاقه‌مند به آرمان‌های قومی، ملی و مذهبی بر آن شدند تا رشادت‌های جوانان و دلاورمردان بویراحمدی را در قالب بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌هایی حماسی جاویدان کنند و به این ترتیب، سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی به وجود آمدند؛ سوگ‌چکامه‌هایی که امروزه در مطالعات تاریخی و سیاسی هم از آن‌ها استفاده می‌کنند و البته، بهره‌ها و فواید ادبی و زبانی آن‌ها نیز بر کسی پوشیده نیست.

از منطقه بویراحمد و بر اساس درگیری‌های داخلی و جنگ‌های با حکومت، ۱۵ سوگ‌چکامه (مجموعه بیت) به دست آمده است. فهرست این سوگ‌چکامه‌ها بر اساس سیر تاریخی در ادامه آمده است:

- بیت محمدطاهرخان. از سال ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ هجری، ۱ بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۹).

- بیت‌های خداکرم‌خان. از سال ۱۳۰۸ هجری، ۲ بیت (غفاری، ۱۳۷۸: ۱۴۹؛ سیاهپور، ۱۳۹۲: ۲۳).

- بیت‌های میرمذکور و میرغارتی. از دوره رضاشاه، ۳ بیت (شهبازی، ۱۳۶۶: ۱۷۰؛ حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

- بیت‌های جنگجویان جنگ دره‌سرد (سرتیپ‌خان و شکرالله‌خان ضرغام‌پور)، ۱۱ بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۳۶ - ۳۹).

- بیت‌های جنگجویان جنگ تامرادی (بین بویراحمدی‌ها و لشکر رضاشاه). سال ۱۳۰۹ش، ۲۳ بیت (همان، ۴۳ - ۵۰).

- بیت‌های میرغلام‌شاه قاسمی و میرمذکور. سال ۱۳۰۳ش، ۸ بیت (همان، ۵۲ - ۵۳).

- بیت‌های علی‌خان و ولی‌خان ایزدپناه، ۵ بیت (همان، ۵۸ - ۵۹).
 - بیت‌های میرزایدالله داورپناه از طرفداران عبدالله‌خان ضرغام‌پور در تسخیر قلعه تل خسرو. سال ۱۳۲۳ش، ۴ بیت (همان، ۸۰).
 - بیت‌های میرزایدالله. مقتول به سال ۱۳۲۵ هجری، ۵ بیت (همان، ۸۱).
 - بیت‌های جنگجویان جنگ دشت روم، ۲ بیت (همان، ۸۱ - ۸۲).
 - بیت‌های خسروخان بویراحمدی، مقتول به سال ۱۳۳۲ش، ۴ بیت (همان، ۸۵).
 - بیت‌های جنگجویان جنگ گجستان (فروردین ۱۳۴۲ش) شامل بیت‌های عبدالله‌خان ضرغام‌پور، ۱۳ بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۱۶ - ۱۲۰).
 - بیت‌های ملاغلامحسین سیاهپور. ۱۵ بیت (همان، ۱۰۵ - ۱۰۹)، بیت‌های کردی انصاری، عبدالمحمد انصاری و محمدحسن انصاری و... ۱۰ بیت (همان، ۱۱۰ - ۱۱۳).
 - بیت‌های ناصرخان طاهری، مقتول به سال ۱۳۴ش در ۵ بیت (همان، ۱۲ - ۲۳).
- البته، ۲۷ بیت شعر عامه با محتوای غیرحماسی درباره حبیب‌الله‌خان شهبازی نیز وجود دارد که چون از نظر شکل و محتوا به شیوه‌های سوگ‌چکامه‌های معمول نیستند، از احصای آن در این مقاله خودداری شد.

۴ - ۲. ریخت‌شناسی بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی

۴ - ۲ - ۱. داشتن طرح ویژه

بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی عمدتاً در قالب مثنوی‌های کوتاه سروده شده‌اند. تعداد ابیات آن‌ها بین ۱ تا ۲۵ بیت است. پی‌رنگ یا طرح این اشعار، خلاف سایر اشعار حماسی، پی‌رنگی ویژه است. به عبارت دیگر، در این اشعار با مقدمه‌چینی، اوج، فرود و... روبه‌رو نیستیم. سراینده، دانای کل است که کل ماجرا را می‌داند یا خود جزو یکی از افرادی بوده که در آن ماجرا شرکت داشته است. بنابراین، ماهرانه از میانه ماجرا شروع می‌کند و صحنه‌های برجسته جنگ را توصیف می‌کند. از بی‌وفایی‌ها و نامرادی‌ها پرده برمی‌دارد و گفت‌وگوهای قهرمانان با هم‌سنگران و بازماندگانش را به شعر در می‌آورد و معمولاً با توصیف آخرین لحظات مرگ دل‌خراش قهرمان سوگ‌چکامه را به پایان می‌رساند. همه این بخش‌ها در کمال ایجاز و در یک یا دو بیت

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی _____ اصغر شهبازی

بیان می‌شود. در سوگ چکامه کی لهراسب (فرمانده نبرد تامرادی)، سراینده، شعر را این‌گونه آغاز می‌کند:

جنگ گهرس دورگ مدین، کل کله‌قندی هیچ شیری مٹ لهراس نکرده جنگی
Jang gehres duragmadin, kel kaleqandi/ hi □ širi mes- e- lohrâs nakerde
jangi.

برگردان: جنگ در منطقه دورگ مدین و حوالی قلعه کله‌قندی در گرفته است. هیچ شیری همچون لهراسب جنگ نکرده است.

یہ نالی بغل بـور نہ بُنگ بایه ای سُور شوخین‌زنه لهراس نہایه
Yo nail baqale bur na bong- e- bâte/ ?i sonnur- e- šowxinzane lohrâs
nahâye.

برگردان: این ناله و شیهه اسب بور (اسب کی لهراسب) است و صدای باد نیست. خوب است بدانید که این سنت شبیخون زدن را کی لهراسب نهاده است.

کی لهراس سر کمر اردو من تنگ تا صد سال دال بخره جر سنگ‌منگ
Keylohrâs sare kamar ?ordu mene tang/ tâ sad sâl dâl bexare jarre sang-e-
mang.

برگردان: کی لهراسب بر سر کوه است و اردو در میانه تنگ. او آن‌قدر از نظامیان دشمن کشته است که تا صد سال هم اگر عقاب‌ها از آن کشته‌ها بخورند، باز هم چیزی باقی می‌ماند.

بنابراین، طرح کلی این سوگ چکامه‌ها بر این شیوه است که سراینده با آگاهی‌های قبلی‌ای که دارد و به‌نظرش می‌رسد مخاطبانش هم دارند، صحنه‌های نبرد را موجز و در کمال اختصار توصیف می‌کند و در این توصیف، به برخی از کنش‌ها و گفت‌وگو اشاره می‌کند. البته، برخی از گفت‌وگو واقعاً صورت نگرفته و سراینده آن‌ها را آفریده است و این طرح ویژه در بیشتر سوگ چکامه‌های بویراحمدی دیده می‌شود. در سوگ چکامه غلامحسین سیاهپور (فرمانده جنگ گجستان) سراینده با این فرض که خوانندگان و شنوندگان از حوادث و گفت‌وگوها آگاهند، می‌گوید:

سیاپور من بهمنی جنگ شروکه پناهی قرآنل بی خان دُرو که
Siyâpur men bahme?i jange šoru ke/ panâhi qorânale bay xân duru ke.

برگردان: سیاهپور در منطقه بهمنی جنگ را شروع کرد. ملاولی پناهی بود که قسم‌های خودش را فراموش کرد و سبب قتل خان شد.

سیاپور بُنگ ایزنه آقای مُرایی تا تو بی توبه کنی و ای ره نیایی
Seyâpur bong ?izane ?âqây morâyi/ tâ to bay towbe koni ve ?i ra nayâyi.
برگردان: سیاهپور فریاد می‌زند و می‌گوید: آقا مرادی! (فرمانده نظامی شاه) تا تو
باشی و دیگر از این راه نیایی.

هشت تا جت کار ایکنه من سر گُجستون سیاپور گهت انصاری بی سیم بسون
Haş tâ jet kâr ?ikone men sar gojestun/ Seyâpur goht ansâri bisim-e- besson.
برگردان: هشت تا هواپیما در بالای تنگ گجستان به پرواز درآمده‌اند. سیاهپور به
انصاری گفت: بی سیم چی را بزن و بی سیم را بگیر.
بنابراین، طرح و ساختار کلی بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی یک طرح
ویژه و عمدتاً قالبی است؛ چون پس از سرودن اولین سوگ چکامه‌های بویراحمدی،
سوگ چکامه‌های دیگر نیز بر همین شیوه سروده شده‌اند.

۴ - ۲ - ۲. شخصیت‌پردازی

شعر حماسی چه کوتاه و چه بلند، شعری روایی است که ماجرای را روایت می‌کند و روشن است که در این روایت، اشخاص و افرادی شرکت دارند که توصیف آن‌ها، در گرو توفیق سراینده است. سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی نیز نوعی شعر روایی‌اند؛ یعنی در آن‌ها، شخصیت‌ها جزو ارکان اصلی‌اند. شخصیت‌ها در این سوگ چکامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) شخصیت‌های بویراحمدی، به‌منزله قهرمانان اصلی این اشعار؛ ب) فرماندهان نظامی دستگاه حاکم، به‌منزله ضدقهرمانان. شخصیت‌های بویراحمدی‌ای که در این اشعار با عنوان قهرمان معرفی شده‌اند، بیشتر افراد صاحب نفوذ، خوانین و کلاتران بویراحمدی‌اند؛ اشخاصی که بنا به دلایل گوناگون، نقش هدایت و رهبری عشایر بویراحمدی را بر عهده داشته و در جنگ‌های بویراحمد با دستگاه حاکم، فرمانده اصلی جنگ بوده‌اند و این موضوع در تمام سوگ چکامه‌های جنگ‌های فراقومی بویراحمدی صدق می‌کند؛ اما درباره سوگ چکامه‌های جنگ‌های قومی صدق نمی‌کند و چه‌بسا در این سوگ چکامه‌ها با افرادی از بویراحمد مواجه شویم که در برهه‌ای مرتکب بی‌وفایی، نقض پیمان و قتل خویشاوندان خود شده‌اند و از این رو، در این سوگ چکامه‌ها با نفرت از آن‌ها یاد شده است. برای مثال، برادر

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی _____ اصغر شهبازی

ناتنی خسروخان بویراحمدی که خسروخان را به قتل رساند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۸۴) یا فرزندان خداکرم‌خان که او را کشتند، از این گونه‌اند (همان، ۲۳)؛ اما واقع امر این است که سوگ‌چکامه‌های حماسی و واقعی، عمدتاً دربارهٔ افرادی نظیر کی‌لهراسب، ملا غلامحسین سیاهپور سروده شده‌اند؛ کی‌لهراسبی که بهمن‌بیگی با اشاره به بیٹی که آورده می‌شود، دربارهٔ او می‌گوید:

بیرمد یادم کنیت بیشتر سرتنگ کی دیده بچه لری بی شا کینه جنگ
Beyramad yâdom konit bištar sar- e- tang/ ki dide ba ĩe lori bay šâ kene jang.

برگردان: بویراحمدی‌ها یادم کنید. به‌ویژه در تنگ تامرادی، چه کسی دیده است که بچهٔ لری با شاه بجنگد؟ (بهمن‌بیگی، ۱۳۸۹: ۳۴۷).

«پس از این نبرد بود که لهراسب به‌صورت یک اسطوره درآمد و بسیاری از مادران عشایر نامش را برای پسران خود برگزیدند» (همان، ۳۴۴).

بنابراین، در این سوگ‌چکامه‌ها، شخصیت‌های اصلی، دلاورمردان و بزرگان بویراحمدند؛ آن‌هایی که تا پای جای در برابر دشمن ایستادند. افرادی نظیر کی‌لهراسب که دربارهٔ او سروده‌اند:

کی‌لهراس چقه سفی، اومی دم پیر همچه شیر جر اینکه بی توپ شص تیر
Key lohrâs ĩeqa sefi, ?umay dam-e- pir/ ham ĩe šir jar ?ikene bay tup-e- šastir.

برگردان: کی‌لهراسب با پیراهن سفید به نزدیک پیر آمد. او با توپ شصت‌تیر همچون شیر می‌جنگد.

کی‌لهراس بنگ ایزنه اردو دو کویه و کوشک تا اردکون و دین توپ
Key lohrâs bong ?izane ?ordu do kupe/ ve kevešk tâ ?ardekun va dine tuppe.
برگردان: کی‌لهراسب بانگ می‌زند و می‌گوید: اردو دو دسته است و او از کوشک تا اردکان به‌دنبال توپ بوده است.

زین طلا، من زین طلا، رکاو کوتا بد کشتن کی‌لهراس خانی ورفتا
Zin telâ men zin telâ, rekav-e- kutâ/ ba?de koštan Keylohrâs xâni varoftâ.
برگردان: زین کی‌لهراسب و درون زینش از طلا بود و رکاب اسپش کوتاه. بعد از کشتن کی‌لهراسب دیگر خانی برفتاد. (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۴۳ - ۴۸).

البته، در ضمن این سوگ چکامه‌ها، شخصیت‌های جبهه مقابل هم به زیبایی و عمدتاً طنزآمیز توصیف می‌شوند. بیشتر سراینندگان در این سوگ چکامه‌ها به منظور تهییج عواطف و احساسات قومی، نظامیان پهلوی را به سخره می‌گیرند. در سوگ چکامه میرغلام شاه قاسمی، نظامیان و دشمنان این‌گونه توصیف شده‌اند:

میرغلام زر دار بلی چایی دم ایکه نظامی سر کُگری مِث بز رم ایکه
Mirqulum zer dâr bali âyi dam ?ike/ nezâmi sar korkori mes boz ram ?ike.
برگردان: میرغلام زیر درخت بلوط چایی درست می‌کند. در همین حال، نظامی پهلوی با آن کلاه مسخره‌اش مثل بز رم می‌کند و می‌ترسد.

وانگهی، در ضمن این شخصیت‌پردازی، خائنان محلی هم فراموش نشده‌اند و سراینندگان در این اشعار خیانت‌های آن‌ها را برملا کرده‌اند. در سوگ چکامه ملاغلامحسین سیاهپور با اشاره به سوگندهای دروغ ملاولی پناهی آمده است:

قرانل ملاولی خاطرجمم کرد علی کرغلولمی بی کس زنم کرد
Qorânal mollâ vali xâterjamom kerd/ ali kor qulumali bikas zanom kerd.
برگردان: قسم‌های قرآنی که ملاولی خورده بود، مرا خاطرجمع کرد و این علی پسر غلامعلی بود که مرا در تنهایی و بی‌کسی کشت (همان، ۱۱۶ - ۱۱۷).

۴ - ۲ - ۳. راوی و زاویه دید

سوگ چکامه‌های بویراحمدی، همچون بیشتر اشعار حماسی، روایی‌اند. بنابراین، در آن‌ها، نوع روای و روایت قابل بررسی است. راوی در این سروده‌ها دانای کل است؛ زیرا یا خود از نزدیک شاهد ماجرا بوده و یا یک روایت کامل و مستند از آن ماجرا در دست داشته است و کار او در بهترین شکل ممکن، آن است که بتواند از آن صحنه‌ها یا روایات، سروده‌ای جاندار و مؤثر بیافریند به گونه‌ای که اصل روایت مخدوش نشود. اگرچه چون راوی در این سروده‌ها خود از مردم بویراحمد است و عشق و علاقه شدیدی به قهرمانان سرزمین خود دارد، نمی‌توان او را از شائبه طرفداری و جانب‌داری مبرا دانست.

نوع روایت در این سروده‌ها، از نوع روایت‌های مستند و واقعی تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی بویراحمدی‌هاست که در بیشتر منابع تاریخی ذکر شده‌اند. البته، نوع روایت در سوگ چکامه‌ها با نوع روایت در منابع تاریخی، تفاوت دارد که آن هم مربوط به زبان و بیان ادب عامه است؛ اما هسته روایت با نمونه‌های تاریخی تفاوت چندانی ندارد و حتی در برخی از موارد از جمله ذکر دقیق زمان و مکان روی دادن حوادث، از نوع تاریخی دقیق‌تر هم هست؛ اما نکته دیگری که در بحث روایتگری در این اشعار مهم است، آن است که در این اشعار، با اینکه روایت درباره سوم شخص مفرد است؛ اما نقل به گونه‌ای است که خواننده یا شنونده احساس می‌کند حادثه هم‌اینک در جریان است و او یا روای می‌تواند با قهرمان صحبت کند. در بخشی از سوگ چکامه جنگ دره سرد، راوی کی لهراسب را این گونه خطاب کرده است:

لهراس، بوو باتولی، دی اردشیری کی گهته و دره سرد پنج یک بگیری

Lohrâs bevu bâtuli, dayi ?ardeširi/ ki gohte va daresard panj yak begiri.

برگردان: ای لهراسب! که پدرت از طایفه باتولی بود و مادرت از اردشیری‌ها. چه

کسی به تو گفته است که باید از «دره سرد» پنج یک (مالیات) بگیری؟

میرغلام بالا بلند جومه گرامی تنه دام و شاقسم مکش نظامی

Mirqolom bâlâ boland, jume gerâmi/ tena dâm va šâqâsem makoš nezami.

برگردان: ای میرغلام! دارنده قد بلند و لباس برازنده، چه قدر تو را به شاه قاسم

سوگند دادم که نظامیان را نکش. (همان، ۵۳).

در این ابیات، شنونده یا خواننده با صحنه ملموسی روبه‌رو می‌شود؛ صحنه‌ای که در آن، راوی حضور دارد، با قهرمان سخن می‌گوید و او را از جنگ با دشمنان باز می‌دارد. این نوع روایت نمایشی (دراماتیک) را در بیت‌های علی‌خان و ولی‌خان ایزدپناه هم می‌بینیم. سراینده به جای استفاده از افعال ماضی از افعال مضارع استفاده می‌کند. تو گویی که جنگ هم‌اینک جریان دارد:

علی‌خان بزن بزن دهست نلرزه شیرزرد، بی‌خان قزی کهله بسه

Alixân bezan bezan dahset nalarze/ šir-e- zard bixânqezî kahlale basse.

برگردان: علی‌خان! بزن، بزن و مراقب باش که دستت نلرزد. بی‌خان قزی همچون

شیری کهله را محاصره کرده است.

یا در بیتی که در ادامه آورده می‌شود، گفت‌وگو به‌شکلی محسوس و عینی روایت شده تا حوادث بهتر مجسم شوند:

من سرم پیت ایکنه بالون جنگی خان‌قزی و م برسون توربی فشنگی

Men sarom pit ?ikone bâlun-e- jangi/ xânqezi vam beresun turbey fešangi.

برگردان: هواپیمای جنگی بر بالای سرم می‌چرخند. خان‌قزی، توربه فشنگ را به من برسان (همان، ۵۸ - ۵۹).

۴-۳. بررسی جنبه‌های زبانی و ادبی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی بیت‌های بویراحمدی

۴-۳-۱. جنبه‌های زبانی و ادبی

بیت‌ها یا سوگ‌ها چکامه‌های حماسی بویراحمدی روایی و نقلی‌اند. زبان و بیانی ساده دارند و مهم‌ترین خصلت زبانی آن‌ها، سادگی و روانی زبان و نزدیکی آن زبان، به زبان مردم است و از همین روی، بیشتر واژگان، ترکیبات و زبان‌زدهای این اشعار، برگرفته از زبان روزمره مردم بویراحمدند. البته، چون سرایندهان این اشعار، مردمانی کم‌سواد و یا حتی بی‌سواد بوده‌اند که به مقتضای عشق و علاقه خود به شعر گفتن روی آورده‌اند، در اشعار ایشان گاه اشکالات زبانی و ادبی دیده می‌شود؛ اما این اشکالات مانع از آن نمی‌شود که مردم به این اشعار توجه نکنند؛ بلکه برعکس، چون این اشعار از ذهن و ضمیری ساده و بی‌آلایش تراویده‌اند و ترجمان عشق و ارادت مردم به قهرمانان قومی خود و آرمان‌های ایشان‌اند، بر دل‌ها می‌نشینند و مردم این اشعار را گرامی می‌دارند. به‌قول هدایت (۱۳۷۱: ۲۰۲): «لطف و گیرندگی طبیعی، صداقت در احساسات، سادگی تشبیهات و طراوت شاعرانه در این اشعار، برای آن‌ها مقام جداگانه‌ای احراز می‌نمایند». در هر صورت، این اشعار از جهت ارزش‌های ادبی، جایگاه متمازی در میان آثار ادب عامه مردم این منطقه دارند و حتی الگو و قالب آن‌ها سبب شده است که امروزه برخی از شربه‌ها در استان کهگیلویه و بویراحمد به پیروی از طرح و الگوی این سوگ‌چکامه‌ها ساخته و خوانده شود و حتی از این بیت‌ها در هنگام شربه‌خوانی نیز استفاده کنند.

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی _____ اصغر شهبازی

از منظر بلاغی، این اشعار فاقد آرایه‌های ادبی انتزاعی و پیچیده‌اند و در آن‌ها تشبیه، استعاره و کنایه بیشترین بسامد را دارد. در تشبیهات و استعارات، غلبه با انواع محسوس و ملموس است. سرایندگان این سوگ‌چکامه‌ها متأثر از محیط کوهستانی خود، مشبه‌به‌ها را محسوس انتخاب کرده‌اند تا بهتر بتوانند حوادث صحنه‌های نبرد را عینی کنند. در سوگ‌چکامه ملاغلامحسین سیاهپور، مردمان جنگاور به «مارهای برهنه» و «گرگ‌های بی‌باک» مانند شده‌اند:

سیاپور بُنگ ایزنه مارل برهنه اُفتینه مین ستون چی گرگ گسنة
Siyâpur bong ?izane mâral berahne/ ?oftine mene sotun □i gorg-e- gosne.
برگردان: سیاهپور بانگ می‌زند و می‌گوید: این مارهای برهنه (به استعاره جنگجویان
عشایر) همچون گرگی گرسنه به ستون نظامیان پهلوی حمله کرده‌اند (سیاهپور، ۱۳۹۲:
۱۰۹).

در همین سوگ‌چکامه، شاعر ترک‌ها و شکاف‌های پاهای بلند غلامحسین محمدی
(از عشایر بویراحمدی) را به گور زریر (یکی از فرماندهان نظامیان پهلوی) مانند کرده
است:

شق پی غلومسن مزار زریره گورخونه‌ی برد بهمئی مال جلیله
Şaq pay qulumasan mazâr zarire/ gurbune bard bahme?i mâl-e- jalile.
برگردان: شکاف و ترک پای غلامحسین مزار زریر است و گورخانه سنگ بهمئی
(غنائم به‌دست آمده) متعلق به طایفه جلیل است (همان، ۱۱۲).
و باز در همین سوگ‌چکامه، «مل نخرن او» (مهلت آب خوردن به آن‌ها ندهید) یک
کنایه ملموس و حماسی است:

جنگ او مه من بهمئی سینه برافتو سیاپور گهت انصاری مل نخرن او
Jang ?uma men bahme?i, sine barafto/ siyâpurgohtansâri mal naxaran ?ow.
برگردان: جنگ به برآفتاب منطقه بهمئی رسیده است. سیاهپور به انصاری گفت:
فرصت آب خوردن به آن‌ها ندهید (همان، ۱۰۹).

بنابراین، می‌توان گفت در بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی، همانند بیشتر
اشعار عامه، تشبیهات ملموس و ساده و برگرفته از محیط زندگی بیشترین فراوانی را
دارند. در این سوگ‌چکامه‌ها بارها قهرمان به «شیر» مانند شده‌اند (برای دیدن نمونه‌ها

ر.ک: همان، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۹، ۶۰، ۸۰، ۸۵، ۱۲۱) و این تشبیه بی‌ارتباط به این موضوع نیست که در این منطقه نیز همچون مناطق بختیاری، «شیر» نماد شجاعت و دلاوری است و حتی از آن به‌صورت شیرسنگی (برد شیر) برای مزار جوانان و دلاوران استفاده می‌کنند. تشبیهات نیز چنانکه گفته شد، برگرفته از محیط زندگی است؛ مثلاً در بیتی که آورده می‌شود، مانند کردن پنجه‌های دست میرزایدالله به «کلوس» (کرفس) که از گیاهان خوش‌بو و معطر این منطقه است، زیبایی تشبیه را دو چندان کرده است:

یدلا زلف مخملی پنجه کلوسی بیرمد بات طرفه و گه نخوسی

Yadelâ zolf maxmali, panje kelowski/ beyramad bât tarafe va koh naxowski.

برگردان: ای یدالله - دارنده موهای نرم و انگشتان زیبا - بدان که تمام بویراحمد با تو طرف است، پس مواظب باش که در کوه خوابت نبرد (همان، ۸۱).

بعد از تشبیه و استعاره، کنایه بالاترین بسامد را دارد. بیشتر کنایات نیز محسوس و ملموس و عمدتاً کلیشه‌ای و تکراری‌اند. کنایاتی همچون «زهلت نره» (زهرات نترکد، نترس)، گرگی کردن (به حمله واداشتن)، لنگر انداختن، سینه برآفتاب (محل آفتاب زدن)، قد واز کردن (دست از کار کشیدن)، لوشت زدن (پورش بردن)، تش نهادن به جایی (نابود کردن جایی)، گوش گروتن (شنیدن)، جوش زدن خون (عطش جنگ داشتن)، رم کردن (ترسیدن) و

از سایر ویژگی‌های ادبی این سوگ‌چکامه‌ها، توصیفات ملموس و دقیق است. در این اشعار، توصیفات مؤجز و دقیق‌اند و در آن‌ها از ابهام زمان و مکان حماسه‌ها و اسطوره‌ها خبری نیست. در سوگ‌چکامه جنگ دشت روم، سراینده که احتمالاً خود از نزدیک شاهد حوادث بوده است، با دقت در جزئیات مکان می‌گوید:

جر وابی من تهله‌دون پوزه ریواسی علی‌خان وُرگرد بزی اومی وراسی

Jar vâbi men tahledun, puze rivâsi/ alixân vorgard bezey ?umay varâsi.

برگردان: جنگ در تلخه‌دان، نزدیک تپه ریواسی (منطقه دشت روم) روی داده است.

پس علی‌خان، برگرد و بزن که به‌راستی جنگ آمده است (همان، ۸۱).

۴ - ۳ - ۲. جنبه‌های موسیقایی

بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی همانند بیشتر اشعار عامه از نظر وزن و موسیقی با شعر رسمی تفاوت دارند. می‌دانیم که بیشتر اشعار و ترانه‌های عامه هجایی اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۰۱). سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی نیز بیشتر هجایی اند؛ اما چون این اشعار، نخست در مراسم تشییع آن قهرمانان و بزرگان و معمولاً با موسیقی (ساز چپ و نی) خوانده شده‌اند، وزن را با کش‌دار کردن کلمات یا هجاها حفظ کرده‌اند، به‌گونه‌ای که کسی کمبود وزن را احساس نمی‌کند. از مجموع ۱۵ سوگ‌چکامه بویراحمدی، ۶ قطعه هجایی اند و ۹ قطعه دیگر را به زحمت می‌توان هجایی محسوب کرد. به عبارت دیگر، در آن‌ها با کشیدن برخی از کلمات و هجاها می‌توان وزن را حفظ کرد. البته، باید گفت که چون این اشعار عمدتاً با ساز و آواز خوانده می‌شوند، کمبود وزن در آن‌ها احساس نمی‌شود. در بیتی که آورده می‌شود، از سوگ‌چکامه کی لهراسب، تعداد هجاها (کمیت هجاها) برابر است؛ اما کیفیت هجاها برابر نیست و خواننده باید هجای دوم و پنجم مصراع دوم را طوری ادا کند تا کمبود وزن احساس نشود:

کی لهراس زر دار بلی سویل تو دا بیرمد تا کهگیلو قُشین رو دا

Key lohrâs zer dâr bali seville tow dâ/ beyramad tâ kohgilu qošene row dâ.

برگردان: کی لهراسب زیر درخت بلوط سبیل را تاب داد و از بویراحمد تا کهگیلویه

قشون را به حرکت درآورد (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۵۰).

موارد دیگری از این نوع تکمیل وزن را در بیشتر سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی می‌توان دید (همان، ۶۰، ۸۰، ۸۱، ۸۵ و...). با این توضیح که خوانندگان ترانه‌های بویراحمدی بیشتر با آوردن کلماتی نظیر «وای»، «ای وای»، «آخی»، «خدا» و... معمولاً کمبودهای وزنی این اشعار را جبران می‌کند.

در بحث موسیقی کناری یا قافیه، تمام بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی مقفا هستند. البته، به‌ندرت اشکالاتی در حروف و کلمات قافیه دیده می‌شود؛ اما بیشتر سراینده‌گان سعی کرده‌اند، هماهنگی (حرفی یا آوایی) یک یا چند حرف از کلمات قافیه

را مراعات کنند. در بیتی که آورده می‌شود، از سوگ‌چکامه میرمذکور، شاعر «عباس» را با «تقاص» قافیه کرده است:

مو سید شاقاسم کر میرعباسم تش گرو ریشی دلم، بگر تقاصم

Mo seyed šâqâsemom kor mirabâsom/ taš gero riši delom, beger taqâsom.

برگردان: من از سادات شاه‌قاسم و پسر امیرعباسم. ریشه دلم آتش گرفته است، پس تقاص مرا بگیر (همان، ۳۵).

در بیتی که آورده می‌شود، از سوگ‌چکامه کی‌لهراسب نیز سراینده، صرفاً به هماهنگی واج‌های پایانی کلمات قافیه اکتفا کرده است:

کی‌لهراس اذن وّم بده من تنگ درآیم بروم تی رضاشا بخت سیت بیارم

Key lohrâs ?ezn vam bede men tang darâyom/ berevom tey rezâšâ baxt sit biyârom.

برگردان: کی‌لهراسب به من رخصت بده تا از تنگ تامرادی عبور کنم. قول می‌دهم که پیش رضاشاه بروم و برای تو امان‌نامه بیاورم (همان، ۴۵).

۴ - ۳ - ۳. جنبه‌های محتوایی

بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر محتوایی، در درجه اول بازتاب‌دهنده سیاست‌های ستمگرانه حکومت پهلوی‌اند. رضاشاه برای ایجاد دولت مدرنی که در اندیشه داشت، با اجرای طرح‌هایی مثل یک‌جانشینی عشایر (تخت قاپو)، تغییر لباس و خدمت وظیفه (اجباری)، به سرکوب و حذف بزرگان عشایر از صحنه قدرت، سیاست و اجتماع روی آورد. عشایر جنوب و از جمله بویراحمدی‌ها در برابر این سیاست‌ها ایستادند و در نتیجه، درگیری‌های شدیدی بین مردم بویراحمد با حکومت پهلوی روی داد که بخش اعظمی از حوادث آن‌ها در قالب همین سوگ‌چکامه‌ها حفظ شده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت، محتوای اصلی این سوگ‌چکامه‌ها داستان برخورد خونین و خشن رضاشاه با توده‌های مردم و عشایر بویراحمدی است (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۱۹ - ۴۲۱؛ داگلاس، ۱۳۷۷: ۱۷۰ - ۱۷۸؛ همبلی، ۱۳۷۲: ۳۰ - ۳۱).

در ضمن این اشعار، دلاوری‌ها و رشادت‌های بزرگان، کلاتران و قهرمانان بویراحمدی به تصویر کشیده شده است، تا جایی که می‌توان گفت این اشعار حافظ

شجاعت‌ها و قهرمانی‌های شخصیت‌های مؤثر بویراحمدند و از همین رو، برانگیزانندهٔ عواطف قومی و ملی‌اند. البته، محتوای برخی از سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی، درگیری‌های قومی و خانوادگی است، مانند سوگ‌چکامه‌های محمدظاهرخان، خداکرم‌خان، جنگجویان جنگ دره‌سرد، عبدالله‌خان ضرغام‌پور و خسروخان بویراحمدی؛ اما آن سوگ‌چکامه‌هایی که تا به امروز ماندگار شده‌اند و در مراسم‌های مختلف بارها خوانده شده‌اند، اتفاقاً سوگ‌چکامه‌هایی هستند که انگیزه‌های جنگ و نبرد در آن‌ها فراتر از خانواده و طایفه است، مانند سوگ‌چکامهٔ کی‌لهراسب در جنگ تامرادی و سوگ‌چکامهٔ ملاغلامحسین سیاهپور در جنگ گجستان. در این دو جنگ، ارتش پهلوی با تمام قوا در برابر بویراحمدی‌ها ایستاد و بویراحمدی‌ها نیز مردانه در برابر او مقاومت کردند. بهمن‌بیگی دربارهٔ جنگ تامرادی می‌نویسد: «نبرد تنگ تامرادی یک نبرد نبود، یک حماسه بود. نه فقط حماسهٔ بویراحمد، بلکه حماسهٔ عشایر ایران بود» (بهمن‌بیگی، ۱۳۸۹: ۳۴۴).

بنابراین، محتوای کلی و اصلی بیت‌ها یا سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی، دلآوری‌های شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بویراحمد است در مبارزه با دستگاه حاکم یا مخالفان خود. البته، در ضمن این اشعار، به برخی از مختصات جغرافیایی و اقلیمی هم اشاره شده است، همچنان که در برخی دیگر از اشعار عامه نیز این‌گونه است (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۲۹۲).

در سوگ‌چکامهٔ ملاغلامحسین سیاهپور (فرماندهٔ نبرد گجستان) سراینده با نام بردن از «بهمنی» و «تپهٔ اوله» دقیقاً محل جغرافیایی وقوع جنگ گجستان را نشان می‌دهد:

جر وابی من بهمنی، دینِ گرِ اوله سیاهپور جنگ ایکنه می صوله‌دوله

Jar vâbi men bame?i, dine gar- e- owle/ siyâpur jang ?ikone may soladowle.

برگردان: جنگ در منطقهٔ بهمنی، پشت بلندی (تپه) آبله درگرفته است و سیاهپور همانند صولت‌الدوله می‌جنگد (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

وانگهی در این سوگ‌چکامه‌ها بخشی از محتوا را ویژگی‌های فردی قهرمانان، گفت‌وگوهای ایشان با سربازان خودی یا با نظامیان پهلوی تشکیل می‌دهد، با اشاره به

نوع و رنگ لباس ایشان. در سوگ چکامه میرمذکور علاوه بر ذکر شجاعت وی، با اشاره به رنگ و نوع لباس او آمده است:

میرمذکور تنبون سفی جومه گرامی تا صد سال دال بخره لاش نظامی

Mirmazkur tonbun sefi, jume gerâmi/ tâ sad sâl dâl bexare lâš- e- nezami.

برگردان: میرمذکور با تنبان سفید و پیراهن گرامی، تو آن قدر از نظامیان کشته‌ای که تا صدسال هم اگر عقاب‌ها از آن کشته‌ها بخورند، باز هم چیزی باقی می‌ماند (همان، ۳۴).

در بخش محتوایی این نکته هم مهم است که چون این سوگ چکامه‌ها عمدتاً قالبی هستند، گاهی یک مصراع یا مضمون در چند سوگ چکامه تکرار می‌شود؛ مثلاً همین مضمون «تا صد سال دال بخوره لاش نظامی» در سوگ چکامه جنگجویان جنگ دره سرد (همان، ۳۶ - ۳۷) و تامرادی (همان، ۴۴ و ۴۹) هم تکرار شده است و حتی در سوگ چکامه‌های بختیاری (شوخی‌ها) هم دیده می‌شود (آسمند، ۱۳۸۰: ۹۰).

بخش دیگری از محتوای این بیت‌ها را توصیفات مربوط به تجهیزات نظامیان پهلوی، ترس و گریز آن‌ها و آخرین وصایای قهرمانان به بازماندگان تشکیل می‌دهد. نقش زنان قهرمان نیز در این سوگ چکامه‌ها پررنگ است. در سوگ چکامه‌های میرغلام شاه قاسمی، علی خان ایزدپناه، میرزایدالله داورپناه و ناصرخان طاهری، زنان به‌نوعی همراه قهرمان‌اند. در سوگ چکامه علی خان ایزدپناه، «خان قزی» به ماشین حمله می‌کند و قله‌ها را می‌بندد و فشنگ‌ها را به قهرمانان می‌رساند:

علی خان و ولی خان دو شیر ناشی لاسشون بی خان قزی، زی من ماشی

Alihxân- o- valhxân, do šir- e- nâši/ lâsešun bi xânqezi, zey mene mâši

برگردان: علی خان و ولی خان دو شیر شجاع‌اند (ناشی) که ماده آن‌ها (لاس)

خان قزی است که به ماشین حمله کرد.

علی خان بزن بزن دست نلرزه شیر زرد بی خان قزی کهله بسه

Alihxân bezan bezan, dasset nalarze/ šir- e- zard bi xânqezi kehlale basse.

برگردان: علی خان! بزن، بزن مبادا دستت بلرزد. ببین که خان قزی همچون شیری

قله‌ها را گرفته است.

من سرم پیت ایکنه بالون جنگی خان قزی وم برسون توربه فشنگی

Men sarompit ?ikonebâlun- e- jangi/ xânqezi vam beresun turbey feşangi.
برگردان: بالای سرم هواپیماهای جنگی دور می‌زنند. خان‌قزی توربه (کوله‌باری) از
فشنگ را به من برسان (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۵۸ - ۶۰).

۴ - ۳ - ۴. جنبه‌های اجتماعی

با اینکه از مرگ و شهادت بسیاری از قهرمانان سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی
بیش از پنجاه سال می‌گذرد، هنوز هم به مناسبت‌های مختلف، به‌ویژه یادبود آن
قهرمانان، این اشعار خوانده و تکرار می‌شوند، به‌گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت این
اشعار، جزو محبوب‌ترین اشعار عامه بویراحمدی‌اند و امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل
هم‌گرایی و اتحاد این مردم به‌شمار می‌آیند و این مهم‌ترین بُعد یا کارکرد اجتماعی این
سوگ چکامه‌هاست. البته، در برخی از این سوگ چکامه‌ها، به پاره‌ای از مسائل فرهنگی،
اقلیمی و اجتماعی هم اشاره شده؛ اما بیشتر مردم و جوانان بویراحمد این اشعار را از
آن روی دوست دارند که آن‌ها را بازتاب‌دهنده بخشی از تاریخ مبارزات قومی خود
می‌دانند (همان، صفحات متعدد) و با آن‌ها احساس غرور و سربلندی می‌کنند. در
محافل که این اشعار با صدای خوانندگان اشعار بویراحمدی خوانده می‌شوند، شور و
شوق جوانان بویراحمدی توصیف‌ناشدنی است و این کارکرد اجتماعی که نوعی
هویت‌بخشی را به‌دنبال دارد، در کم‌تر نمونه‌ای از اشعار عامه به این شدت قابل مشاهده
است. بنابراین، با نگاه جامعه‌شناختی به این اشعار می‌توان گفت طوایف گوناگون
بویراحمد هرگز زیر بار زور نرفته‌اند، خلق و خوی حماسی و دلاوری داشته‌اند و در
برابر سیاست‌های مستبدانه حکومت پهلوی تا پای جان ایستاده‌اند.

۵. نتیجه

سوگ چکامه عنوانی است که در این مقاله بر گونه‌ای از اشعار عامه بویراحمدی
(بیت‌ها) گفته شده است که به‌وسیله سرایندگانی ناشناس، پس از کشته شدن قهرمانان
و بزرگان بویراحمدی در جنگ با دستگاه حاکم و مخالفان، سروده شده‌اند. در این
مقاله، این نوع شعر نقد و بررسی شده و مشخص شده است که ۱۵ قطعه شعر

سوگ چکامه‌ای در منطقه بویراحمد وجود دارد که قدیم‌ترین نمونه آن مربوط به دوره قاجار و جدیدترین نمونه، مربوط به دوره پهلوی است. در این مقاله، سوگ چکامه‌های بویراحمدی از منظر شکل، ساختار، جنبه‌های ادبی، زبانی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی نیز بررسی شده‌اند و معلوم شده که این اشعار دارای طرحی ساده، روایی و بدون مقدمه‌چینی، اوج و فرودند. توصیف شخصیت‌ها و صحنه‌های نبرد در آن‌ها قوی است. راوی دانای کل است و زاویه دید سوم شخص مفرد و روایت از نوع واقعی و مستند. از منظر زبانی، سوگ چکامه‌ها، ساده و روان‌اند؛ به زبان لری بویراحمدی سروده شده‌اند. از نظر ادبی، فاقد آرایه‌های ادبی پیچیده و انتزاعی‌اند و در آن‌ها، تشبیهات، استعارات و کنایات محسوس و ساده بیشترین بسامد را دارند. در ۱۱۴ بیت شعر سوگ چکامه‌ای بویراحمدی، ۱۱ تشبیه، ۱۰ کنایه و ۸ استعاره دیده می‌شود که از این تعداد، در ۸ تشبیه، مشبّه‌به «شیر» است. از نظر موسیقی، سوگ چکامه‌های بویراحمدی، هجایی‌اند و کمبود وزن با کش‌دار کردن کلمات جبران می‌شود. از نظر محتوایی، مضمون اصلی بیت‌های بویراحمدی، بیان رشادت‌ها و دلاوری‌های قهرمانان و بزرگان بویراحمدی است در مبارزه با دشمنان و دستگاه حاکم. البته، در این اشعار، مضامینی همچون فراوانی کشته‌های دشمن و خوردن کرکس‌ها از آن کشته‌ها، فراوانی تجهیزات دشمن، ترس نظامیان حکومت و خوارداشت آن‌ها، بزرگ شمردن قهرمانان ایل و بیان آخرین وصایای قهرمانان نیز وجود دارد. از نظر کارکرد اجتماعی هم این اشعار، امروزه به منزله عامل هم‌گرایی و وحدت طوایف گوناگون بویراحمدی به‌شمار می‌آیند و در آن‌ها به پاره‌ای از مسائل اجتماعی بویراحمد در طول حکومت‌های قاجار و پهلوی اشاره شده است.

منابع

- آذریبوند، الله بخش (۱۳۸۴). تحولات سیاسی کشور و جنگ گجستان، یاسوج: چویل.
- آسمند، علی (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات در قوم بختیاری. اصفهان: شهسواری.
- اکبری، قدرت‌الله (۱۳۶۸). بویراحمد در گذرگاه تاریخ. شیراز: چاپخانه مصطفوی.
- اکبری، حامد (۱۳۸۱). رجال بویراحمد. یاسوج: فاطمیه.

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی _____ اصغر شهبازی

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴). قوم لڑ: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران. تهران: آگاه.
- بهمن‌بیگی، محمد (۱۳۸۹). بخارای من ایل من. شیراز: نوید.
- _____ (۱۳۷۳). گزارشی از نبرد تامرادی (تاریخ معاصر ایران، کتاب ششم). تهران: مؤسسه مطالعات بنیاد مستضعفان.
- تابان سیرت، کاوس (۱۳۸۰). دلاوران کوهستان. دلیران تنگ تامرادی. قم: طبین.
- حسینی، ساعد (۱۳۸۱). بخشی از شعر، موسیقی و ادبیات شفاهی استان کهگیلویه و بویراحمد. یاسوج: فاطمیه.
- داگلاس، ویلیام (۱۳۷۷). سرزمین شگفت‌انگیز و مردمی مهربان و دوست‌داشتنی. ترجمه فریدون سنجر. تهران: گوتنبرگ.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». ادب پژوهی. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۳ - ۱۷۰.
- سیاهپور، کشواد (۱۳۹۲). حوادث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار شاعران محلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ. به راهنمایی عبدالرسول خیراندیش. دانشگاه شیراز.
- شهبازی، اصغر (۱۳۹۸). «نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخی‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۷. ش ۲۸. صص ۲۱۹ - ۲۴۲.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). ایل ناشناخته. تهران: نی.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۱). تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران. ج ۲. تهران: آتیه.
- طاهری، سیمین (۱۳۸۴). فرهنگ عامیانه مردم کهگیلویه و بویراحمد. تهران: ساورز.
- غفاری، یعقوب (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد. اصفهان: گل‌ها.
- _____ (۱۳۶۲). نمونه‌ای از اشعار محلی مردم کهگیلویه و بویراحمد و شرح کوتاهی از زندگی کی‌لهراس. یاسوج: چاپخانه امیر.
- فسایی، حاج‌میرزا حسن (۱۳۷۸). فارس‌نامه ناصری. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران. ترجمه علی بابایی. تهران: خجسته.
- کیاوند، عزیز (۱۳۶۸). حکومت، سیاست و عشایر از قاجاریه تاکنون. تهران: عشایری.
- لمعه، منوچهر (۱۳۵۳). فرهنگ عامیانه عشایر بویراحمدی و کهگیلویه. تهران: اشرفی.
- مجیدی، نورمحمد (۱۳۷۸). علما و شاعران کهگیلویه و بویراحمد. تهران: به آفرین.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۳). تاریخ گزیده. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- مکی، حسین (۱۳۵۹). نامه نور، ویژهنامه هنر و فرهنگ ایل بویراحمدی. ش ۱۰ و ۱۱.
- هدایت، صادق (۱۳۷۱). فرهنگ عامه مردم ایران. تهران: چشمه.
- همبلی، گاوین (۱۳۷۲). خودکامگی پهلوی، رضاشاه. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج. ترجمه مخبر. تهران: طرح نو.
- سیاهپور، کشواد (۱۳۹۸). مصاحبه. تاریخ ۲۴ / ۴ / ۱۳۹۸.

The Boyerahmadi Epic Verses or Threnodies

Asghar Shahbazi¹ *

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran

Received: 24/07/2019

Accepted: 21/12/2019

Abstract

The epic threnodies or šowxins are popular poems that are composed by unknown poets after the death of one of the heroes or elders of the Lori tribe in the fight against the ruling regime, and have long been read by the people and singers of Lori poems. Bakhtiari and Boyerahmadi tribes have many racial, linguistic, cultural and historical affinities, and threnodies have a high place among them; therefore, in this paper, in order to study the various dimensions of these poems and to find out the phenomenon of the transmission of popular poems, they are compared according to the method of content analysis (comparative approach). It is briefly stated that Bakhtiari and Boyerahmadi threnodies have the same and common elements of epic poetry (heroic, national, ethnic, and narrative forms), themes, verses and hemistiches, description, and literary characteristics, but the language of Boyerahmadi threnodies is rougher than that of Bakhtiari's and it has a kind of controversy with the unexampled creator. In this paper, the most important linguistic, literary, cultural and historical values of these threnodies are discussed. Also, the analysis can be regarded as a model for study of this kind of popular poetry in different parts of Iran.

Keywords: popular poetry; verse (threnodies); Boyerahmad; form; content.

*Corresponding Author's E-mail: asgharshahbazi88@gmail.com

